

## ایمان عامل بزرگ پیشرفت

گفتیم : ایمان و اعتقاد به مقدسات مذهبی اثرات معجزه آسائی دارد «ایمان» نیروی مارافوق‌العاده بزرگ می‌کند و بالامیبرد و حتی درد مارادرمان می‌بخشد و بیماری را از بدن ما زایل می‌سازد .

ایمان نیروئی است که در جاهائیکه همه وسائل مادی بی‌اثر میماند ، مؤثر واقع میشود ، درمان میکند ، برمی‌انگیزد ، الهام می‌بخشد ، مواردی هست که صرف تصور امری موجب تحقق آن امر می‌گردد ، (۱)

روی همین اثرات معجزه آسای ایمان است که قرآن مجید در حدود ۸۵۰ بار ، این کلمه را با مشتقات گوناگونش تکرار کرده (۲) و آنرا از عوامل پیشرفت اسلام و برتری مسلمانان شمرده است .

دریکجا تنهاداروی می‌آوردگی و اندوه‌گینی را که عامل مهم شکستها و عقب ماندگی‌ها است ، داشتن ایمان و باور صحیح نسبت به مبادی مذهب میداند؛ «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین» (۳) یعنی : مست نشوید و اندوه‌گین مباشید زیرا شما برترین مردهید اگر دارای ایمان باشید . و در جای دیگر عامل پیروزی پیامبر اسلام (ص) و تحقق آرمان مقدسش را که همان پیشرفت اسلام است ، صریحاً مدد خداوندی و فداکاری افراد با ایمان می‌شمارد «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین یعنی : او (خدا) کسی است که ترا بیاری خود و مومنان ، تأیید کرد (۴)

۱- مبانی فلسفه ص ۲۹۷

۲- آمارفوق با مراحمه بکتاب «المعجم المفهرس» ذیل ماده ایمان بدست

آمده است ۳- سوره آل عمران آیه ۱۳۸

۴- سوره انفال آیه ۶۲

ودرمورد دیگر، درمقام مقایسه قدرت رزمی افراد باایمان و بی‌ایمان، برمی‌آید و اظهارمیداردکه قدرت مؤمنان به نسبت ده بریک برکفار، ترجیح دارد: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائین وان یکن منکم مائة یغلبوا الفامن الذین کفروا بانهم قوم لایفقهون یعنی: اگر از شما بیست تن شکیمان باشند بردویست تن (ازکفار) چیره می‌شوند و اگر از شما صدتن باشند، بر هزارتن از کسانی که کفر شده‌اند، غلبه می‌کنند، برای آنکه آنها (کفار) گروهی هستند که نمی‌فهمند (سوره انفال آیه ۶۵). البته بایستی توجه داشت که منظور از این برتری قدرت رزمی، برتری تجهیزات نظامی و داشتن سلاحهای مدرن نیست زیرا بشهادت تاریخ مسلمانان به تعداد بسیاری جنگهای صدراسلام از لحاظ عدد و تجهیزات نظامی از کفار پائین تر بوده و دشمنان از این دو جهت بر آنها برتری داشتند اما با این حال مسلمانان بر آنها پیروزی شدند. مثلاً در جنگ «پدر» با آنکه عدد مسلمانان از سید و سیزده نفر تجاوز نمی‌کرد و از لحاظ سازوبرگ نظامی دریک وضع بسیار بدی قرار داشتند تنها در حدود هفتاد شتر و چند رأس اسب بود که ائانه آنها را حمل میکرد، و احياناً در میدان جنگ، بدر دانه می‌خورد و مقداری تیرو کمان و شمشیر و نیزه و... ولی تعداد مشرکان سه برابر آنها بوده و از لحاظ سازوبرگ نظامی دارای مدرن ترین سلاحهای روز بودند، مع الوصف ارتش اسلام بر آنها پیروز گردید.

راز این امر را همانطور که قرآن تصریح دارد، بایستی در قدرت «ایمان» و اعتقاد به مبادی مذهب جستجو کرد. این قدرت بود که شجاعت، شهامت، فداکاری، روح امید و پیکار را در آنها بقدری نیرومند می‌ساخت که بیست نفر آنها در برابر ده بیست نفر و صد نفر آنها در برابر هزار نفر از کفار ایستادگی میکردند و ر آنها پیروز میشدند. این مؤمنان، همان کفار دیر روز بودند، چه عاملی اینهمه قدرت در آنها پدید آورده و آنها را به نسبت ده بریک بر کفار، نیرومندتر ساخته بود؟ مهمترین عامل، همان ایمان درست بود که کفه ترازو را ب نفع آنان و به زیان کفار بالا برده معتقد شده بودند: چه بکشند و چه کشته شوند، در هر صورت پیروزی از آن آنهاست اما کفار در هر دو صورت زیانکار و بدبختند یا به عذاب خدای (در آخرت) و یا به عذاب بشری (کشته شدن در دنیا): «قل هل تر بصون بنا الا احدی الحسنیین» (۱) یعنی: بگو آیا برای ما جز یکی از دو چیز نیکو را انتظار دارید؟

### یک اعتراف جالب

«جرجی زیدان» مسیحی درباره اینکه ایمان بزرگترین عامل پیشرفت مسلمانان بوده مینویسد: «(مسلمانان) بهتر از هر چیزی به مبادی دینی خویش ایمان داشتند، آنها از ته دل معتقد بودند که بفرمان خدا برای پیشرفت دین اسلام بجنک می‌روند، اگر کشته

شوند شهید خواهند بود و البته نعمتهای آخرت از لذات دنیا بهتر و پایدارتر است .  
همین ایمان محکم و اعتقاد راسخ بود که مسلمانها را برای وارد شدن به آن میدان  
پرخطر، دلیر و بی‌ناک می‌ساخت .

و در جای دیگر، در این باره اینطور می‌نویسد : « این نیز مسلم است که (مسلمانها)  
بیشتر برای آخرت و نه برای دنیا کوشش و فداکاری داشتند و رفتار و گفتار آنان گواه این  
ادعا است . مثلاً همینکه « رستم » سپهسالار ایران به « منیره » سردار عرب از روی طعنه می‌گوید  
که شما جان خود را سراینکاری می‌گذارید و به مقصد نمی‌رسید !  
منیره با ایمان و اعتقاد کامل پاسخ می‌دهد که هر کس از ما کشته شود به بهشت می‌رود  
و کشتگان شما در آتش هستند و اگر یک نفر از ما باقی بماند بر شما چیره خواهد شد .

در جای دیگر ، موقعی که سردار رومی « عبادة بن صامت » فرمانده سپاه (اسلام)  
را از فزونی سپاه روم می‌ترساند ، عباده به وی می‌گوید : ای مرد بخودت و یارانت غرور مشو ،  
مارا از فزونی سپاهیان خود و کمی افراد ما بیم مده ، بخدا سوگند نه فزونی سپاهیان شما و  
نه کمی سربازان ما هیچکدام از پیشرفت این کار نخواهد کاست اگر هم آنچه می‌گوئی ،  
درست باشد و ما کشته شویم بخدا سوگند برای ما چیزی بهتر از کشته شدن در راه خدا نیست .  
اگر همه ما کشته شویم همه در پرتو عنایات پروردگار خویش در جهان دیگر خشنود و شادمان  
خواهیم زیست .

ما کشته شدن در راه خدا را از جان و دل دوست داریم و اگر پیروز گردیم ، در این  
جهان خوشبخت میشویم و همه چیز شما از آن ما خواهد بود و اگر کشته شویم در آن جهان  
سعادتمند می‌باشیم . خدای بزرگ در کتاب خود می‌فرماید : « چه بسا که يك گروه کمی به اذن  
خدا بر جمع انبوهی ، پیروز میشوند هر مردی از ما بامدادان و شامگاهان ، خدا را میخواند  
و از او میخواهد که شهادت را نصیب او بگرداند و او را زنده بسر زمین و خاندان و کسانش  
باز نفرستد .

ما کوچکترین توجهی به بازماندگان خود در وطن نداریم ، تمام نیرو و توجه ما رو به  
آینده است ما کسان و فرزندان خود را بخدا سپرده‌ایم با خاطری آسوده از سرزمین خویش  
بیرون آمده‌ایم اما آنچه درباره تنگدستی و ناداری ما گفتی آنهم اشتباه است چه ما خود را  
از همه مردم بی‌نیاز میدانیم .

اگر سراسر جهان از آن ما باشد چیزی بیش از آنکه اکنون داریم نمی‌خواهیم . . . (۱)

آری همین سرمایه نفیس ایمان بود که ارتش دوازده هزار نفری مسلمین را به فرماندهی

برده آزاد شده‌ای موسوم به «طارق بن زیاد» از تنگهٔ جبل الطارق عبور داد و برادرش صد هزار نفری «رودریک» آخرین پادشاه سلسله «گوتها» که بالغ بر صد هزار نفر بودند، پیروز نمود. (۱)

همین قدرت شکفتانگیز ایمان بود که سه هزار نفر از مسلمانان را بفرماندهی «زید ابن حارثه» بجنک بارومیان در منطقه‌ای موسوم به «هؤله» در مقابل صدیای دوست هزار نفر سپاه «هرقل» گسیل داشت و با رشادتها و فداکاریها وظیفه سربازی و انسانی خود را انجام دادند و روح تعدی و تجاوز را در دشمنان اسلام خفه کردند (۲)

### نقش ایمان از نظر پیشوایان مذهب

پیشوایان بزرگ اسلام نیز، دربارهٔ اثرات معجزه‌آسای ایمان، عبارات شیرین و پر معنایی دارند که ما به چند نمونهٔ زیر اکتفا میکنیم:

۱- پیامبر بزرگوار اسلام میفرماید: «ان قوة المؤمن في قلبه الاترون انه قد تجدهونه ضعيف البدن، نحيف الجسم وهو يقوم الليل ويصوم النهار» (۳) یعنی نیروی مؤمن در دل اوست آریا نمی‌بینید: با آنکه چه بسا از لحاظ جسم ضعیف و ناتوان است اما شب زنده‌داری می‌کند و روزها را روزه میگیرد.

۲- و نیز از آنحضرت نقل شده است: المؤمن اشد في دينه من الجبال الراسية وذلك ان الجبل قد ينحط منه والمؤمن لا يقدر احد على ان ينحط من دينه شيئاً وذلك لضنه بدینه وشحه عليه (۴) یعنی: مؤمن از کوه‌های پا برجا محکم‌تر است زیرا کوه چه بسا تراشیده و سائیده میشود ولی کسی نمیتواند از ایمان شخص مؤمن ذره‌ای بکاهد، بخاطر آنکه حقیقت دین را درک کرده و در حفظ آن، اصرار دارد.

۳- امام ششم میفرماید: «ان المؤمن اشد من زبر الحديد ان زبر الحديد اذا دخل النار تغير وان المؤمن لو قتل ثم نشر ثم قتل لم يتغير قلبه» (۵) یعنی: مؤمن از قطعه آهن سخت‌تر است زیرا آهن هنگامیکه وارد آتش گردد نرم میشود ولی مؤمن اگر کشته شود، در اراده و تصمیمش تغییری حاصل نخواهد شد.

۴- و نیز از آنحضرت نقل شده است: «ان المؤمن يخشع له كل شيء ثم قال: اذا كان مخلصا لله قلبه اخاف منه كل شيء حتى هوام الارض وسباعها وطير السماء» (۶) یعنی: همه چیز در برابر شخص مؤمن تسلیم میشود، آنگاه فرمود: مؤمن هنگامیکه دلتش را برای خدا خالص نمود، خداوند نیز کاری میکند که همه چیز حتی حشرات زمین، درندگان و پرندگان هوا از او میترسد.

(۱) تاریخ ابن خلکان ص ۲۶۰

(۲) حیات محمد ج ۱ ص ۵۵۲

(۳-۴-۵-۶) سفینه البحار ج ۱ ص ۳۷